

تحقق رفاه عمومی در گرو افزایش تولید ملی است

تولید از نظر مبانی تئوریک آکادمیک، مکاتب فلسفی و همچنین دیدگاه‌های ادیان گوناگون، به ویژه اسلام، به معنای عمران، آبادانی، تلاش و کوشش مطرح می‌شود و در عین حال تلاشی است برای استفاده از فرصت‌ها، شکوفایی استعدادها و تأمین نیازهای اساسی انسان در طول تاریخ.



دکتر محمد خوش‌چهره: تولید از نظر مبانی تئوریک آکادمیک، مکاتب فلسفی و همچنین دیدگاه‌های ادیان گوناگون، به ویژه اسلام، به معنای عمران، آبادانی، تلاش و کوشش مطرح می‌شود و در عین حال تلاشی است برای استفاده از فرصت‌ها، شکوفایی استعدادها و تأمین نیازهای اساسی انسان در طول تاریخ.

در یک تعریف مبسوط‌تر، می‌توان تولید را خلق ثروت و درآمد در کنار پاسخگویی به نیازهای مردم دانست. از این رو در تمام ادیان الهی تحریف نشده، تولید به عنوان یک جریان ارزشی و مثبت بیان می‌شود. البته در طول تاریخ شاهد انحرافات در برخی ادیان الهی بوده‌ایم، برای مثال در مسیحیت تحریفاتی نظیر زهد و گوشه‌نشینی از دنیا و مواهب آن وارد شده است و در دین یهود نیز فزون‌خواهی، مال‌پرستی و ثروت‌اندوزی را مشاهده می‌کنیم. اما در طول تاریخ اسلام، چنین دیدگاه‌هایی نتوانسته‌اند بر حوزه نظری و عملی آن حاکم شوند. دین اسلام تلاش، کوشش و خلق ثروت را ارزشمند دانسته است، به طوری که حتی رسول اکرم (ص) در پاسخگویی به کسانی که معنویت، تعالی و آخرت را اساس حرکت و جوهر هستی تلقی کردند، فرمودند: ««؛الدنيا مزرعه الآخرة». این امر مبین آن است که هر گونه کوششی در مسیر آخرت، ریشه در اقداماتی دارد که در این دنیا صورت می‌گیرند.

همچنین ایشان بی‌توجهی به خلق ثروت و درآمد را موجب بروز فقر و فلاکت دانستند و فرمودند: ««؛كاد الفقر أن يكون كفرا» به این معنا که فقر به کفر می‌انجامد. بر اساس آموزه‌های اسلام، خلق ثروت به معنای آنچه در ادبیات امروزی به عنوان بهبود سطح زندگی و ارتقای سطح رفاه عمومی از آن نام می‌برند، هدف استراتژیکی‌ای است که باید دولت‌ها در دستور کار خود قرار دهند. قضاوت درباره کارآمدی دولت، حکومت و نظام نیز بستگی به موفقیت آن در افزایش سطح رفاه عمومی دارد. در بحث رفاه عمومی، مسائلی نظیر سلامت، بهداشت، اشتغال، افزایش درآمد، کاهش فقر و ... به عنوان شاخص‌های اصلی مطرح می‌شوند و تحقق تمامی این شاخص‌ها نیز در گرو افزایش تولید ملی است. خروجی فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی خرد و کلان، منجر به افزایش تولید ناخالص ملی در بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات می‌شود.

این تغییرات، افزایش نرخ رشد اقتصادی را در پی دارد و معمولاً تمام دولت‌ها و احزاب در داخل یک کشور و همچنین در مقیاس جهانی، تلاش می‌کنند نرخ رشد اقتصادی پویا و پایداری داشته باشند. تولید چه در رفتارهای فردی مبتنی بر جهان‌بینی و دیدگاه‌های فلسفی و چه در مقیاس کلان مبتنی بر رفتارهای دولت‌ها، یک مقوله قابل درک و مشخص است که چنان‌که پیش‌تر بیان شد به شکل خلق ثروت و درآمد ظاهر می‌شود. از این رو تولید، اقدام قابل دفاعی است؛ اگرچه شیوه‌های متفاوتی برای دستیابی به آن وجود دارد و گاهی ممکن است این روش‌ها، تولید را از مسیر صحیح منحرف کنند. برای مثال زمانی که تولید ثروت به بهای تخریب منابع طبیعی و محیط‌زیست صورت گیرد و به از بین رفتن ظرف تولید که در واقع همان کره زمین است، منجر شود، عملی مذموم است. به همین دلیل بر اصل تولید ثروت به عنوان یک شرط لازم، اتفاق نظر وجود دارد، اما در شیوه‌ها و روش‌های به کارگیری آن اختلاف است. در عقه تئوریک، فلسفی و مذهبی نیز پیرامون مسائلی که موجب ارتقای سطح زندگی و رفاه عمومی می‌شوند و در پی تخصیص منابع طبیعی و خلاقیت‌های انسانی به کار و تولید پدید می‌آیند، اتفاق نظر وجود دارد.

البته در اسلام نباید هدف استراتژیک و تامة انسان، صرفاً کسب ثروت و درآمد باشد. قطعاً رفاه که مفهوم آرامش را نیز در بر می‌گیرد، آرامش روحی، روانی و جسمی را مورد توجه قرار می‌دهد. بر این اساس کسب درآمد به بهای افزایش اضطراب، روان‌پریشی، عدم امنیت خاطر و ... نكوهیده است. همچنین در اسلام جایز نیست که رفاه فردی به بهای فقر جمعی دنبال شود و افراد جامعه به شرایط یکدیگر بی‌توجه باشند. همچنین اسلام توصیه‌هایی را در خصوص جلوگیری از فزون‌خواهی و تمامیت‌خواهی در کسب درآمد، ارائه می‌دهد. در واقع بر اساس آموزه‌های این دین الهی، تولید و کسب درآمد از سویی ابزاری است برای تعالی انسان و از سوی دیگر کسب رفاه مادی. در اینجا انسان، فردی مسئول است و رها شده نیست؛ به این معنا که اگر در جامعه شاهد فقر باشد، موظف است با اقداماتی چون ایثار و نیکوکاری در راستای رفع آن تلاش کند.